

Research Paper

A Comparative Study of the Role of Geographic Sources of Power in Geopolitical Crises (Case Study: Ukraine and Taiwan Crisis)

Sajed Bahrami Jaf ¹, Darya Mazandarani ^{*2}, Rasul Eydi³

1 Postdoctoral Researcher, Department of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

2 Ph.D. Candidate, Department of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

3 Master's Degree Holder, Department of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Keywords

**Geopolitical crisis,
Ukraine, Taiwan,
geographical sources of
power, comparative
study**

ABSTRACT

This study examines the geopolitical crises in Ukraine and Taiwan using a qualitative and comparative approach and analyzes the role of various components of the geography of power, including ethnic and religious compositions, strategic location, natural resources, and human dimensions (human rights), in the formation and escalation of these crises. The findings show that in Ukraine, the ethnic and linguistic compositions in the east of the country, the strategic location as a bridge between Russia and the West, and rich natural resources such as gas and agricultural land have directly contributed to geopolitical competition and have led to foreign interventions. In Taiwan, although the ethnic composition is less diverse, the identity distinction of the Taiwanese from the Chinese and its strategic location in the vital waterways of the China Sea have made this island one of the most sensitive points in the geopolitical confrontations between China and the United States. Also, Taiwan's role in the semiconductor industry as a strategic resource in the global technology supply chain has strongly influenced international competition. Furthermore, human rights issues have been used as political tools in both crises to justify international interventions and support. This research shows how geographical, identity, and natural resource factors have played a role in exacerbating geopolitical crises and have become tools to advance the goals of great powers.

*Corresponding Author.

Email Addresses: Darya.Mazandarani@mail.um.ac.ir.

Bahrami Jaf, S. , Mazandarani, D. and Eydi, R. (2025). A Comparative Study of the Role of Geographic Sources of Power in Geopolitical Crises (Case Study: Ukraine and Taiwan Crisis). Human Ecology, 3(9), 733-746.



Doi: [10.22034/el.2025.501300.1052](https://doi.org/10.22034/el.2025.501300.1052)

بررسی تطبیقی نقش منابع جغرافیایی قدرت در بحران‌های ژئوپلیتیکی (نمونه موردی: بحران اوکراین و تایوان)

ساجد بهرامی جاف^۱، دریا مازندرانی^{۲*}، رسول عیدی^۳

۱ پژوهشگر پسادکتری، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲ دانشجو دکتری، گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

۳ کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و تطبیقی به بررسی بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان پرداخته و نقش مؤلفه‌های مختلف جغرافیای قدرت از جمله ترکیب‌های قومی و مذهبی، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی و ابعاد انسانی (حقوق بشر) را در شکل‌گیری و تشدید این بحران‌ها تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در اوکراین، ترکیب‌های قومی و زبانی در شرق کشور، موقعیت استراتژیک به‌عنوان پلی میان روسیه و غرب، و منابع طبیعی غنی مانند گاز و زمین‌های کشاورزی به‌طور مستقیم در رقابت‌های ژئوپلیتیکی نقش داشته و موجب مداخلات خارجی شده‌اند. در تایوان، هرچند ترکیب قومی کمتر متنوع است، اما تمایز هویتی تایوانی‌ها از چینی‌ها و موقعیت استراتژیک آن در آبراه‌های حیاتی دریای چین، این جزیره را به یکی از حساس‌ترین نقاط در تقابل‌های ژئوپلیتیکی میان چین و ایالات متحده تبدیل کرده است. همچنین، نقش تایوان در صنعت نیمه‌هادی‌ها به‌عنوان یک منبع استراتژیک در زنجیره تأمین جهانی فناوری، به‌شدت بر رقابت‌های بین‌المللی تأثیر گذاشته است. علاوه بر این، مسائل حقوق بشری در هر دو بحران به‌عنوان ابزارهای سیاسی برای توجیه مداخلات و حمایت‌های بین‌المللی به کار گرفته شده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه عوامل جغرافیایی، هویتی و منابع طبیعی در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی نقش داشته و به ابزارهایی برای پیشبرد اهداف قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند.

واژگان کلیدی

بحران ژئوپلیتیک،
اوکراین، تایوان، منابع
جغرافیایی قدرت، بررسی
تطبیقی

۱. مقدمه

بحران به وضعیتی اطلاق می شود که با وجود تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است. اغلب مفهوم بحران با وضعیت حاد محیط و اوضاع و احوال غیرطبیعی، از قبیل تشنج اجتماعی، سیاسی، در هم آشفستگی و ضعف امنیت تجسم می شود. بحران هایی که در عرصه جهان چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح خارجی و بین المللی، شکل گرفته اند، اغلب ماهیت ژئوپلیتیکی دارند. زیرا فلسفه و منشأ بحران ها جغرافیاییست و یک ارزش و یک پدیده و یک عامل جغرافیایی در آفرینش آن چه به طور مستقیم و چه به طور غیر مستقیم نقش دارد. بحران های سیاسی و ژئوپلیتیکی غالباً در شرایط و مناطقی شکل می گیرند که قدرت های بزرگ نقش مؤثری در کنترل حوادث و تحولات آن مناطق دارند (Mosleanejad, 2013). این بحران ها تعادل سیستم را از بین می برند، نظم را در سیستم های محلی، منطقه ای، بین المللی از بین می برند، قابلیت برنامه ریزی را از بین می برند، برنامه ریزی های توسعه را مختل می کنند. تضادهای قومی و فرهنگی، تاریخی، دینی و ژئوپلیتیک جزو عوامل زمینه ساز بروز بحران ها هستند و بازیگرانی که در صدد گسترش قدرت خود هستند، تلاش می کنند تا زمینه ایجاد بحران در حوزه جغرافیایی کشور رقیب را ایجاد کنند. بحران ژئوپلیتیک وضعیتی است که در آن منابع جغرافیایی قدرت منبع اصلی منازعه، کشمکش، اختلاف و غیره بین بازیگران در مناسبات محلی، ملی، منطقه ای و جهانی باشد. به بیان دیگر بحران ژئوپلیتیک زمانی ایجاد می شود که بازیگران در مناسبات محلی، ملی، منطقه ای و جهانی خود روی یک یا چند منبع جغرافیایی قدرت با یکدیگر اختلاف داشته باشند و به رقابت با یکدیگر بپردازند (Janparvar, 2017). بحران های ژئوپلیتیکی از مهم ترین چالش های روابط بین الملل در قرن بیست و یکم به شمار می آیند که تأثیرات عمیقی بر امنیت جهانی، ثبات منطقه ای و توسعه اقتصادی دارند. اوکراین و تایوان به عنوان دو نمونه برجسته از این بحران ها، نمادهای بارز تنش های ژئوپلیتیکی هستند که نه تنها به دلیل عوامل داخلی بلکه به دلیل مداخلات و رقابت های قدرت های بزرگ جهانی تشدید شده اند. در هر دو منطقه، عناصر مختلفی از جمله ترکیب های قومی و مذهبی، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی، و ابعاد انسانی نظیر حقوق بشر در شکل گیری و ادامه یافتن بحران ها نقش بسزایی ایفا کرده اند. اوکراین، با موقعیت جغرافیایی منحصربه فرد خود به عنوان پل ارتباطی میان روسیه و کشورهای غربی، به میدان رقابت های ژئوپلیتیکی و اقتصادی تبدیل شده است. ترکیب های قومی و زبانی در این کشور، به ویژه در مناطق شرقی، موجب قطبی شدن جامعه و مداخله نظامی روسیه شده است. علاوه بر این، منابع طبیعی اوکراین نظیر گاز و زمین های حاصلخیز، بر اهمیت استراتژیک این کشور افزوده و آن را به نقطه تمرکز رقابت های ژئوپلیتیکی میان روسیه و غرب تبدیل کرده است. از سوی دیگر، تایوان به عنوان یک جزیره استراتژیک در دریای چین شرقی، با برخورداری از نقش کلیدی در صنعت جهانی نیمه هادی ها و تراشه های الکترونیکی، به نقطه ای حساس در منازعات میان چین و ایالات متحده تبدیل شده است. مسئله هویتی و سیاسی میان تایوان و چین و همچنین تلاش های مداوم تایوان برای حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی خود، به عامل اصلی تنش ها و تقابل های ژئوپلیتیکی در این منطقه تبدیل شده است. این پژوهش تلاش دارد تا با تحلیل تطبیقی این دو بحران، نقش مولفه های مختلف جغرافیایی قدرت را در تشدید منازعات ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان بررسی کند. انتخاب این دو بحران برای مقایسه به دلیل اهمیت استراتژیک آن ها در توازن قدرت جهانی و نقش محوری شان در منازعات ژئوپلیتیکی معاصر است.

۲. مباحث نظری تحقیق

بحران به عنوان یک مفهوم چندوجهی و پیچیده در حوزه های مختلف علوم اجتماعی، به وضعیتی اشاره دارد که تعادل و ثبات موجود در سیستم های سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی را برهم زده و منجر به تشدید ناگهانی تنش ها و منازعات می شود (Amable & Palombarini, 2023). بحران، در ذات خود، پدیده ای است که از تغییرات سریع و پیش بینی ناپذیر ناشی می شود و بر ساختارها و فرآیندهای معمولی تأثیر می گذارد. این مفهوم نه تنها به عنوان یک اختلال در نظم موجود، بلکه به عنوان یک تهدید برای هنجارها و قواعد حاکم در نظر گرفته می شود (Grebogi et al, 1983). بحران ها معمولاً وضعیتی اضطراری را ایجاد می کنند که مستلزم واکنش سریع و تصمیم گیری های قاطع از سوی بازیگران مختلف است، زیرا تداوم بحران ها می تواند منجر به تغییرات بنیادین در نظام ها و نهادها شود. در چارچوب نظری، بحران نوعی تهدید علیه تعادل و پایداری سیستم های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که نیازمند واکنش فوری است. این تهدید ممکن است از منابع متعددی ناشی شود، از جمله فشارهای داخلی و خارجی بر سیستم های حکومتی، ناهنجاری های اقتصادی، یا تغییرات در الگوهای جغرافیایی و جمعیتی (Kahn et al, 2013). بحران ها به طور معمول به عنوان نشانه ای از ضعف یا ناتوانی در مدیریت سیستم ها در مقابل تغییرات غیرمنتظره تلقی می شوند و از این رو، تحلیل آن ها نیازمند درک عمیق از ساختارهای نظری و فلسفی حاکم بر این سیستم ها است (Coyne, 2010). در این میان، یکی از مهم ترین انواع بحران هایی که در نظریه های ژئوپلیتیک و علوم سیاسی به طور گسترده مورد مطالعه قرار می گیرد، بحران ژئوپلیتیکی است (Janparvar et al, 2022). بحران ژئوپلیتیکی به وضعیتی اشاره دارد که در آن منابع جغرافیایی قدرت، منبع اصلی منازعه و کشمکش بین بازیگران سیاسی در سطوح فروملی، ملی، منطقه ای و جهانی می شود. منابع

جغرافیایی به عنوان عواملی فیزیکی و محیطی که در اعمال قدرت تأثیرگذار هستند، می‌توانند به عنوان منشأ اختلاف و رقابت شناخته شوند. بحران ژئوپلیتیکی به‌ویژه زمانی رخ می‌دهد که بازیگران مختلف در تعاملات سیاسی و اقتصادی خود، بر سر کنترل یا تسلط بر این منابع جغرافیایی وارد منازعه می‌شوند (Janparvar, 2017). منبع یا منابع جغرافیایی قدرت عبارتست از مولفه‌های جغرافیایی که در سطح ملی و فراتر باشند و توجه بازیگران دیگر را به خود جلب نمایند. به عبارت دیگر منبع جغرافیایی قدرت به هر عامل یا ویژگی جغرافیایی اطلاق می‌شود که ظرفیت تأثیرگذاری بر توانایی یک کشور در دستیابی به اهداف ملی و بین‌المللی را داشته باشد (Bahramijaf & Janparvar, 2023). منابع جغرافیایی قدرت عبارتست از به عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی نقش محوری دارند و به واسطه تأثیرگذاری آن‌ها بر قدرت و نفوذ بازیگران، در فلسفه ژئوپلیتیک اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند (Valigholizadeh & Karimi, 2016). مولفه‌های جغرافیایی، مفاهیم متنوعی را شامل می‌شوند که هر یک می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای تجزیه و تحلیل بحران‌های ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار گیرند (Erfan, 2021). نخستین مولفه جغرافیایی که باید به آن توجه کرد، قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است (Kuus, 2020). این مفهوم از نظریه‌های کلاسیک موازنه قدرت در فلسفه سیاسی سرچشمه می‌گیرد. طبق این نظریه‌ها، قدرت در نظام بین‌المللی به‌طور طبیعی در حالت تعادل نیست و بازیگران مختلف همواره در حال تلاش برای افزایش یا حفظ قدرت خود هستند (Gulick, 1982). قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در چنین فضایی به عنوان بازیگرانی ظاهر می‌شوند که از موقعیت جغرافیایی خود به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ و گسترش حوزه‌های قدرت استفاده می‌کنند (Grygiel, 2006). از منظر فلسفی، جغرافیا به عنوان یک عنصر ثابت و غیرقابل تغییر، نقش بنیادینی در شکل‌دهی به تعاملات سیاسی بازی می‌کند. بنابراین، قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نه تنها از لحاظ توان نظامی و اقتصادی، بلکه از منظر جغرافیایی نیز به دنبال ایجاد موازنه قدرت هستند (Crane, N., & Grove, 2018). ترکیب قومی و مذهبی، بر پایه نظریه‌های فرهنگی و هویتی قرار دارد که بیان می‌کنند فرهنگ، مذهب و قومیت، به عنوان عناصر مهمی در شکل‌دهی به هویت‌های سیاسی عمل می‌کنند (Sobolewska et al, 2015). ترکیب‌های قومی و مذهبی می‌توانند به عنوان منابعی برای تمایز و حتی منازعه در نظر گرفته شوند، زیرا این تفاوت‌ها به‌طور طبیعی باعث ایجاد گسل‌های اجتماعی و سیاسی در جوامع می‌شوند (Reynal-Querol, 2020). از منظر نظری، تضادهای قومی و مذهبی به دلیل نقش هویت‌های فرهنگی در تعریف و تبیین منافع سیاسی، زمینه‌ساز درگیری‌ها و بحران‌ها هستند. این مولفه در بسیاری از نظریه‌های هویتی و فرهنگی به عنوان یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی مطرح شده است (Vinson, 2018). فلسفه سیاسی در این زمینه تأکید دارد که تنوع هویتی می‌تواند به عنوان عاملی برای تقویت یا تضعیف ثبات سیاسی عمل کند، به‌ویژه زمانی که این هویت‌ها با تقسیمات جغرافیایی تلاقی پیدا می‌کنند (Bazzi & Gudgeon, 2021). منابع طبیعی، در نظریه‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک به‌ویژه نظریه «جغرافیای منابع» مطرح شده است. منابع طبیعی به عنوان پایه‌های مادی قدرت، نقش بسیار مهمی در تعیین توانایی‌های یک کشور در عرصه بین‌المللی دارند. از منظر فلسفی، منابع طبیعی به عنوان بخشی از دارایی‌های استراتژیک، می‌توانند به عنوان ابزارهای اقتصادی و سیاسی در روابط بین‌الملل استفاده شوند. نظریه پردازانی همچون هالفورد مکیندر و نیکلاس اسپایکمن به اهمیت منابع طبیعی در تأمین امنیت و افزایش قدرت کشورها اشاره کرده‌اند و بیان می‌کنند که کنترل بر این منابع به‌طور مستقیم بر توانایی‌های استراتژیک کشورها تأثیر می‌گذارد (Bahramijaf et al, 2022). از این منظر، جغرافیا نه تنها به عنوان یک چارچوب محیطی، بلکه به عنوان منبعی از قدرت اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند پایه‌گذار رقابت‌های بین‌المللی و منازعات ژئوپلیتیکی باشد (Markowitz & Fariss, 2017). ابعاد انسانی، به‌طور خاص با نظریه‌های امنیت انسانی در ارتباط است. امنیت انسانی به معنای گسترده‌تری از امنیت صرفاً نظامی اشاره دارد و شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و حتی محیط‌زیستی نیز می‌شود (UNDP, 1994). از نظر فلسفی، انسان‌ها به عنوان بازیگران اصلی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی، نه تنها تحت تأثیر محیط جغرافیایی قرار دارند، بلکه خود نیز به عنوان عاملان فعال در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی عمل می‌کنند (Körösényi et al, 2016). نظریه‌های مرتبط با امنیت انسانی بیان می‌کنند که نادیده گرفتن نیازهای اولیه انسان‌ها مانند غذا، بهداشت، آموزش و مسکن، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل اصلی در ایجاد و تشدید بحران‌ها عمل کند (Chruzik, 2019). در این چارچوب، بحران‌های ژئوپلیتیکی نه تنها ناشی از رقابت‌های قدرت‌های بین‌المللی یا منابع طبیعی هستند، بلکه ناشی از فشارهای اجتماعی و اقتصادی‌ای هستند که از ناتوانی در تأمین نیازهای انسانی ناشی می‌شوند (Zavras et al, 2016).

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر به منظور بررسی تطبیقی بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان از روش تحقیق کیفی و تطبیقی استفاده می‌کند. دلیل و اهمیت بررسی تطبیقی بحران‌های اوکراین و تایوان به تفاوت‌ها و شباهت‌های استراتژیک و ژئوپلیتیکی میان این دو منطقه بازمی‌گردد که به فهم عمیق‌تر از منازعات جهانی کمک می‌کند. هر دو بحران در قلب رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ قرار دارند؛ اوکراین به عنوان نقطه تلاقی میان روسیه و غرب، و تایوان به عنوان سنگر استراتژیک در مقابل نفوذ چین در منطقه آسیا-پاسفیک. با وجود تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی، هر دو کشور با چالش‌هایی مشابه در حوزه‌های هویتی، استراتژیک، و منابع طبیعی روبه‌رو هستند که موجب پیچیده‌تر شدن وضعیت آن‌ها شده است. انتخاب این دو بحران برای مقایسه به دلیل اهمیت استراتژیک آن‌ها در توازن قدرت جهانی و نقش محوری‌شان در منازعات ژئوپلیتیکی معاصر است. بررسی تطبیقی اوکراین و تایوان به ما امکان می‌دهد تا الگوهای مشترک و متغیرهای کلیدی مؤثر در بحران‌های ژئوپلیتیکی را شناسایی کنیم و از طریق این تحلیل، راهکارهای بهتری برای مدیریت و کاهش تنش‌ها در سایر نقاط حساس جهان ارائه دهیم. علاوه بر این، این مقایسه به درک بهتر از نحوه مداخله قدرت‌های خارجی و استفاده از مولفه‌های جغرافیای قدرت در پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود کمک می‌کند و اهمیت استراتژیک جغرافیا، منابع طبیعی و هویت‌های قومی را در شکل‌گیری و تشدید منازعات بین‌المللی برجسته می‌سازد. روش تحقیق کیفی به دلیل ماهیت چندبعدی و پیچیده بحران‌های ژئوپلیتیکی مناسب است، زیرا امکان بررسی دقیق نقش منابع طبیعی، ترکیب قومی و مذهبی و پیامدهای انسانی را فراهم می‌کند. در این روش، داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد به عنوان ابزارهای اصلی برای جمع‌آوری اطلاعات به کار گرفته می‌شوند. منابع اصلی شامل مقالات علمی، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری و بین‌المللی، و همچنین منابع تاریخی مرتبط با هر دو بحران خواهند بود. روش تطبیقی به عنوان چارچوب اصلی پژوهش استفاده می‌شود تا بتوان شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان بحران‌های اوکراین و تایوان را به صورت نظام‌مند بررسی کرد. این رویکرد به پژوهشگر امکان می‌دهد تا عواملی مانند منابع طبیعی، تنوع قومی و مذهبی، و پیامدهای انسانی را در دو منطقه با یکدیگر مقایسه کرده و الگوهای مشابه و متفاوت را شناسایی کند. تحلیل محتوای کیفی نیز به عنوان روش تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد تا ارتباط میان عوامل مختلف بررسی و تحلیل شود. هدف این پژوهش بررسی نحوه تأثیرگذاری منابع طبیعی و ترکیب قومی و مذهبی بر پیامدهای انسانی بحران‌ها و همچنین شناسایی نقش این عوامل در تشدید منازعات ژئوپلیتیکی است.

۴. یافته‌های تحقیق

نقش مولفه‌های جغرافیای قدرت در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان در هر دو منطقه به عنوان عوامل اصلی تأثیرگذار عمل کرده و زمینه‌ساز منازعات پیچیده و طولانی مدت شده است. هر دو بحران، علاوه بر عوامل داخلی، به شدت تحت تأثیر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارند که رقابت بر سر منابع طبیعی، موقعیت استراتژیک و هویت‌های قومی و مذهبی را به منازعه‌ای مداوم و پیچیده تبدیل کرده‌اند. هرچند که تفاوت‌هایی در نحوه دخالت قدرت‌ها و همچنین ساختار جغرافیایی این دو بحران وجود دارد، اما نقاط اشتراک زیادی میان آن‌ها دیده می‌شود که تحلیل تطبیقی آن‌ها می‌تواند به فهم بهتری از پویایی‌های ژئوپلیتیکی کمک کند.

- بررسی تطبیقی نقش ترکیب قومی و مذهبی در شکل‌گیری و تشدید بحران ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان

ترکیب قومی و مذهبی به عنوان یکی از مولفه‌های بنیادین در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی، نقش برجسته‌ای در بحران‌های اوکراین و تایوان ایفا کرده است. این مولفه‌ها به دلیل تأثیرات عمیق اجتماعی و هویتی که بر جامعه دارند، اغلب به عنوان محرک‌هایی برای تضادهای داخلی و حتی مداخلات خارجی عمل می‌کنند. بررسی تطبیقی بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان از منظر ترکیب قومی و مذهبی، نشان می‌دهد که چگونه این عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌توانند به طور مستقیم به بی‌ثباتی‌های سیاسی و تشدید منازعات منجر شوند. هرچند اوکراین و تایوان از نظر تاریخی و فرهنگی تفاوت‌های زیادی دارند، اما نقش ترکیب‌های قومی و هویتی در هر دو کشور در ایجاد تنش‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی مشابه است.

در اوکراین، ترکیب قومی و زبانی این کشور به عنوان یکی از محرک‌های اصلی بحران ژئوپلیتیکی بوده است. اوکراین به‌ویژه در بخش‌های شرقی خود، دارای جمعیتی روس‌تبار و روس‌زبان است که هویت قومی و زبانی خود را بیش از آنکه با اوکراین همسو بدانند، با روسیه پیوند می‌دهند (Arel, 2018). این اقلیت قومی روس‌زبان در شرق اوکراین نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری جدایی‌طلبی و حمایت از مداخله روسیه ایفا کرده است. ترکیب قومی اوکراین از دیرباز میان مناطق غربی و شرقی این کشور تقسیم شده است (Obushnyj, 2021)؛ به طوری که مناطق غربی بیشتر اوکراینی‌زبان و به لحاظ تاریخی متمایل به غرب و اروپا بوده‌اند، در حالی که مناطق شرقی روس‌زبان هستند و ارتباط فرهنگی و تاریخی عمیقی با روسیه دارند. این تقسیمات قومی و زبانی در سال‌های اخیر به نقطه‌ای از تضاد شدید منجر شده که منجر به مداخله مستقیم روسیه در اوکراین و حمایت از جدایی‌طلبان در شرق این کشور شده است. ترکیب قومی در اوکراین همچنین توسط

نیروهای سیاسی مختلف به عنوان ابزاری برای تحریک احساسات ملی‌گرایانه یا تجزیه‌طلبانه استفاده شده است (Rumyantsev, 2022). روسیه با تأکید بر حمایت از روس‌تباران و روس‌زبانان شرق اوکراین، سعی در توجیه مداخلات خود در این کشور دارد و این مسئله به شدت به تشدید بحران ژئوپلیتیکی منجر شده است. از سوی دیگر، دولت اوکراین نیز با تأکید بر هویت اوکراینی و تلاش برای تحکیم وحدت ملی، سعی دارد از گرایش‌های جدایی‌طلبانه در مناطق شرقی جلوگیری کند. این تضادهای قومی و زبانی به‌طور مستقیم به قطبی‌شدن جامعه اوکراین منجر شده و یکی از عوامل اصلی در طولانی‌شدن و پیچیده‌تر شدن بحران اوکراین به‌شمار می‌رود (Kondratenko, 2022). در تایوان، ترکیب قومی-مذهبی به شکلی متفاوت در بحران ژئوپلیتیکی تأثیر گذاشته است. هرچند تایوان برخلاف اوکراین دارای ترکیب قومی چندان متنوعی نیست، اما مسئله هویتی بین تایوانی‌ها و چینی‌ها به عنوان یک عامل هویتی و فرهنگی برجسته در شکل‌گیری بحران نقش داشته است. تایوانی‌ها به لحاظ قومی عمدتاً از قوم هان هستند و از نظر فرهنگی با سرزمین اصلی چین پیوندهایی دارند. با این حال، پس از جنگ داخلی چین و تشکیل جمهوری خلق چین، هویت تایوانی به تدریج از هویت چینی متمایز شد و اکنون بسیاری از مردم تایوان خود را به عنوان یک ملت مستقل از چین می‌دانند (Huang, 2000). این تمایز هویتی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در ایجاد تنش‌های سیاسی میان تایوان و چین عمل کرده است. در تایوان، مسئله هویت ملی و فرهنگی به‌طور مستقیم به بحران ژئوپلیتیکی میان چین و تایوان پیوند خورده است. چین به‌طور مداوم تأکید می‌کند که تایوان بخشی از قلمرو آن است و هرگونه تلاش برای استقلال تایوان را به عنوان تهدیدی برای تمامیت ارضی خود تلقی می‌کند (Huang, 2023). در مقابل، بسیاری از تایوانی‌ها هویت ملی مستقل خود را تعریف کرده‌اند و تلاش می‌کنند تا از طریق دموکراسی و مشارکت سیاسی، از استقلال خود دفاع کنند. این تضاد هویتی میان تایوان و چین، به یک منبع پایدار از تنش‌ها تبدیل شده و به تشدید بحران ژئوپلیتیکی در منطقه منجر شده است (Zhong, 2016).

در تحلیل تطبیقی نقش ترکیب قومی و مذهبی در اوکراین و تایوان، می‌توان مشاهده کرد که هرچند این دو کشور از نظر ساختارهای قومی و مذهبی تفاوت‌هایی دارند، اما هر دو درگیر تضادهای هویتی و فرهنگی هستند که به‌طور مستقیم به بحران‌های ژئوپلیتیکی آن‌ها مرتبط است. در اوکراین، تقسیمات قومی میان اوکراینی‌ها و روس‌تباران به عنوان یک خط گسل اجتماعی و سیاسی عمل کرده و به تشدید منازعات داخلی و مداخله خارجی منجر شده است. در تایوان، تضاد هویتی میان تایوانی‌ها و چینی‌ها، به‌ویژه در زمینه تمایز ملی و فرهنگی، به یک عامل کلیدی در تحریک تنش‌های ژئوپلیتیکی میان چین و تایوان تبدیل شده است. تفاوت مهمی که میان این دو کشور وجود دارد، در نحوه بروز این تضادهای قومی و مذهبی است. در اوکراین، ترکیب قومی به شکل مستقیم‌تر و ملموس‌تری در منازعات ظاهر شده است. جدایی‌طلبان روس‌زبان در شرق اوکراین با حمایت روسیه به دنبال استقلال یا پیوستن به روسیه هستند و این امر به یک جنگ داخلی جدی و منازعات خونین منجر شده است. در مقابل، در تایوان، تضادهای قومی-هویتي بیشتر به صورت نمادین و سیاسی نمایان می‌شود و هنوز به‌طور مستقیم به یک جنگ داخلی یا تجزیه‌طلبی مسلحانه منجر نشده است. با این حال، تضادهای هویتی میان تایوان و چین همچنان به عنوان یک منبع جدی از بحران ژئوپلیتیکی در منطقه باقی مانده است. یکی از نکات کلیدی در بررسی نقش ترکیب قومی و مذهبی در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان، نحوه استفاده بازیگران داخلی و خارجی از این مولفه‌ها برای تحقق اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی خود است. در اوکراین، روسیه به‌طور فعالانه از تنش‌های قومی و زبانی برای توجیه مداخله نظامی خود و حمایت از نیروهای جدایی‌طلب استفاده کرده است. این سیاست‌ها به‌ویژه با هدف تضعیف دولت اوکراین و جلوگیری از نزدیکی این کشور به ناتو و اتحادیه اروپا دنبال می‌شوند. به‌طور مشابه، در تایوان، چین از تضادهای هویتی و تمایز فرهنگی میان تایوان و سرزمین اصلی چین برای تقویت ادعاهای خود مبنی بر مالکیت بر تایوان استفاده می‌کند. این دو رویکرد نشان می‌دهد که ترکیب قومی و هویتی به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی در هر دو بحران به کار گرفته شده است. از منظر تطبیقی، می‌توان گفت که ترکیب قومی و مذهبی در هر دو کشور به عنوان یک عامل مولد تنش‌های اجتماعی و سیاسی عمل کرده و به تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی منجر شده است. در اوکراین، ترکیب قومی و زبانی به‌طور مستقیم در منازعات داخلی و مداخله خارجی تأثیرگذار بوده است. این امر نشان‌دهنده آن است که اختلافات قومی و زبانی می‌تواند به یک عامل تحریک‌کننده برای مداخله قدرت‌های خارجی تبدیل شود. در تایوان، هرچند ترکیب قومی به صورت متفاوتی ظهور یافته، اما تضادهای هویتی و ملی به‌طور مستقیم در شکل‌گیری و تداوم بحران‌های ژئوپلیتیکی نقش داشته است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در هر دو مورد، ترکیب قومی و مذهبی نه تنها به عنوان یک مسئله داخلی، بلکه به عنوان یک مسئله ژئوپلیتیکی و بین‌المللی مطرح شده است. در اوکراین، تضادهای قومی و زبانی میان اوکراینی‌ها و روس‌زبانان به یک موضوع کلیدی در روابط بین‌المللی میان روسیه و غرب تبدیل شده است. در تایوان نیز، مسئله هویت ملی و تمایز فرهنگی میان تایوان و چین به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تشدید تنش‌ها در منطقه آسیا-پاسفیک تلقی می‌شود.

- بررسی تطبیقی نقش موقعیت استراتژیک در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان

نقش موقعیت استراتژیک در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان به‌عنوان دو نمونه بارز از چالش‌های ژئوپلیتیکی در قرن بیست و یکم، یکی از مهم‌ترین عوامل تحلیل‌گرانه درک این بحران‌هاست. موقعیت جغرافیایی این دو کشور در نقاط کلیدی نقشه سیاسی جهان باعث شده است که هر کدام به مرکز توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل شوند. تحلیل تطبیقی این بحران‌ها از منظر موقعیت استراتژیک نشان می‌دهد که جغرافیا به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری و تشدید منازعات در این مناطق تأثیر گذاشته و منافع قدرت‌های بزرگ جهانی را درگیر خود کرده است. موقعیت استراتژیک به معنای قرارگیری یک کشور در نقطه‌ای کلیدی است که از نظر اقتصادی، نظامی یا سیاسی برای کنترل منابع یا مسیرهای تجاری حیاتی تلقی می‌شود. در هر دو مورد اوکراین و تایوان، جغرافیای فیزیکی و موقعیت مکانی، نقشی اساسی در تحریک و تشدید تنش‌ها و منازعات بازی کرده است.

در مورد اوکراین، این کشور در محل تلاقی شرق و غرب قرار دارد و به‌عنوان یک پل جغرافیایی میان روسیه و کشورهای عضو ناتو عمل می‌کند. این موقعیت باعث شده است که اوکراین از دیرباز به‌عنوان یکی از کانون‌های رقابت‌های ژئوپلیتیکی بین روسیه و غرب شناخته شود (Cheng, 2022). موقعیت استراتژیک اوکراین در مرزهای روسیه به آن معنایی فراتر از جغرافیا داده است؛ چراکه کنترل اوکراین به روسیه امکان دسترسی آسان به اروپای شرقی و همچنین دریای سیاه را می‌دهد، در حالی که برای ناتو و اتحادیه اروپا، حفظ استقلال و تمامیت ارضی اوکراین به‌عنوان یک مانع در برابر گسترش نفوذ روسیه به‌شمار می‌آید (Orenstein, 2023). به همین دلیل، روسیه هرگونه تلاشی برای نزدیکی اوکراین به غرب را به‌عنوان تهدیدی مستقیم برای امنیت ملی خود قلمداد کرده و اقدام به مداخله در امور داخلی این کشور کرده است. از این منظر، موقعیت استراتژیک اوکراین باعث تشدید بحران شده و این کشور به میدان نبردی برای منافع رقابت‌آمیز قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است (Götz & Staun, 2022).

در مقابل، تایوان به‌عنوان یک جزیره در قلب دریای چین شرقی قرار گرفته و به‌عنوان یک موقعیت استراتژیک در دسترسی به آبراه‌های بین‌المللی و کنترل دریای جنوب چین شناخته می‌شود. این جزیره به دلیل نزدیکی جغرافیایی به چین و نقش حیاتی آن در امنیت دریایی منطقه، به نقطه‌ای از تنش‌های ژئوپلیتیکی میان چین و ایالات متحده تبدیل شده است (Stekić, 2023). موقعیت استراتژیک تایوان نه تنها از نظر نظامی و امنیتی، بلکه از منظر اقتصادی نیز حائز اهمیت است. کنترل تایوان به چین امکان دسترسی به آبراه‌های حیاتی تجاری و همچنین تقویت قدرت نظامی در منطقه آسیا-پاسفیک را می‌دهد (Hashmi, 2023). از سوی دیگر، ایالات متحده و متحدانش از تایوان به‌عنوان یک ابزار بازدارنده برای مهار نفوذ چین در منطقه استفاده می‌کنند. این وابستگی استراتژیک به تایوان در کنترل آبراه‌های بین‌المللی و دسترسی به منابع طبیعی، این جزیره را به یکی از حساس‌ترین نقاط در منازعات ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است (Farooq, 2023).

مقایسه این دو موقعیت استراتژیک نشان می‌دهد که هر دو کشور به دلیل اهمیت جغرافیایی و استراتژیک خود، به هدف قدرت‌های جهانی تبدیل شده‌اند. در اوکراین، قرار گرفتن این کشور در نزدیکی روسیه و نقش آن در ترانزیت انرژی به اروپا، اهمیت استراتژیک بالایی برای هر دو طرف درگیری ایجاد کرده است. کنترل بر اوکراین به روسیه امکان می‌دهد که نفوذ خود در اروپا را تقویت کرده و از نفوذ ناتو به مناطق شرقی جلوگیری کند. این امر به‌ویژه با توجه به ذخایر غنی انرژی اوکراین و نقش آن به‌عنوان یک کریدور ترانزیتی برای انتقال گاز روسیه به اروپا، اهمیت بیشتری یافته است. برای اتحادیه اروپا و ایالات متحده، اوکراین نه تنها از نظر امنیت انرژی، بلکه به‌عنوان یک منطقه حائل برای جلوگیری از گسترش نفوذ روسیه به غرب اهمیت دارد. بنابراین، موقعیت استراتژیک اوکراین در مرزهای روسیه و اروپا، به طور مستقیم به تشدید بحران منجر شده و رقابت‌های ژئوپلیتیکی را در این منطقه شدت بخشیده است. در تایوان، موقعیت استراتژیک آن به‌عنوان یک جزیره‌ای که در نزدیکی سواحل چین قرار دارد و دسترسی به آبراه‌های تجاری حیاتی را فراهم می‌کند، یکی از عوامل اصلی تشدید بحران است. تایوان به‌عنوان یک نقطه استراتژیک در مسیر تجارت جهانی و همچنین در کنترل دریای جنوب چین، اهمیت ژئوپلیتیکی بسیار بالایی دارد. چین این جزیره را بخشی از قلمرو خود می‌داند و هرگونه مداخله خارجی در امور تایوان را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی خود تلقی می‌کند. از سوی دیگر، ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن به‌دنبال حفظ استقلال تایوان و جلوگیری از تسلط چین بر این جزیره هستند، چراکه تسلط چین بر تایوان می‌تواند نفوذ نظامی و اقتصادی چین را در منطقه به شدت افزایش دهد. موقعیت استراتژیک تایوان در دسترسی به آبراه‌های منطقه‌ای و کنترل بر جریان‌های تجاری، این بحران را به یکی از مهم‌ترین منازعات ژئوپلیتیکی جهان تبدیل کرده است.

یکی دیگر از تفاوت‌های کلیدی در موقعیت استراتژیک اوکراین و تایوان، نقش آن‌ها در موازنه قدرت جهانی است. در اوکراین، موقعیت این کشور به‌عنوان یک پل جغرافیایی میان روسیه و غرب، به‌طور مستقیم بر موازنه قدرت در اروپا تأثیر می‌گذارد. روسیه با حفظ نفوذ خود در اوکراین، می‌تواند از گسترش نفوذ ناتو به مرزهای خود جلوگیری کند و به این ترتیب موازنه قدرت را به نفع خود حفظ کند. در تایوان نیز، موقعیت این جزیره به‌عنوان یک نقطه کلیدی در موازنه قدرت در آسیا-پاسفیک نقش دارد. چین با تسلط بر تایوان، می‌تواند نفوذ نظامی خود را در منطقه تقویت کند و به چالش‌های امنیتی برای ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن بیفزاید. بنابراین، موقعیت استراتژیک هر دو کشور به‌طور مستقیم با تحولات ژئوپلیتیکی در مناطق مختلف جهان مرتبط است و این امر باعث شده است که بحران‌های آن‌ها به مسائلی جهانی

تبدیل شوند. موقعیت استراتژیک اوکراین و تایوان همچنین بر نقش آن‌ها در امنیت منطقه‌ای تأثیرگذار است. در اوکراین، امنیت منطقه اروپای شرقی و همچنین امنیت انرژی اروپا به‌طور مستقیم به وضعیت این کشور وابسته است. هرگونه تغییر در ساختار قدرت اوکراین می‌تواند به‌طور مستقیم بر امنیت انرژی اروپا تأثیر بگذارد و به ناپایداری‌های بیشتری در منطقه منجر شود. در تایوان نیز، امنیت دریایی منطقه شرق آسیا و امنیت تجاری جهانی به‌طور مستقیم به وضعیت این جزیره وابسته است. هرگونه تلاش چین برای کنترل تایوان می‌تواند به بی‌ثباتی در آبراه‌های تجاری حیاتی منجر شود و امنیت دریایی در منطقه آسیا-پاسفیک را تحت تأثیر قرار دهد. نقش موقعیت استراتژیک در تشدید بحران‌های اوکراین و تایوان به‌طور ویژه در نحوه مداخله قدرت‌های بزرگ جهانی مشهود است. در اوکراین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا به دنبال حفظ استقلال این کشور از نفوذ روسیه هستند و از این رو حمایت‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک گسترده‌ای به اوکراین ارائه داده‌اند. این حمایت‌ها به‌طور مستقیم به تشدید تنش‌ها میان روسیه و غرب منجر شده و بحران اوکراین را به یکی از مهم‌ترین منازعات ژئوپلیتیکی جهان تبدیل کرده است. در تایوان نیز، ایالات متحده به دنبال حفظ استقلال تایوان و جلوگیری از تسلط چین بر این جزیره است. این تلاش‌ها نیز به تشدید تنش‌ها میان چین و ایالات متحده منجر شده و بحران تایوان را به یکی از حساس‌ترین مسائل امنیتی منطقه آسیا-پاسفیک تبدیل کرده است. در نهایت، موقعیت استراتژیک اوکراین و تایوان در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی آن‌ها نقشی حیاتی داشته است. هر دو کشور به دلیل قرارگیری در نقاط کلیدی نقشه ژئوپلیتیکی جهان، به هدف قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند و این امر باعث شده است که منازعات آن‌ها به مسائلی جهانی تبدیل شود. در هر دو مورد، موقعیت جغرافیایی به عنوان یک عامل استراتژیک در شکل‌دهی به سیاست‌های داخلی و خارجی این کشورها و همچنین در تحریک رقابت‌های بین‌المللی نقش داشته است. این تحلیل نشان می‌دهد که موقعیت استراتژیک نه تنها یک عامل جغرافیایی است، بلکه به عنوان یک متغیر کلیدی در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی عمل می‌کند.

- بررسی تطبیقی نقش منابع طبیعی در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان

نقش منابع طبیعی در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان، به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی در تحلیل ژئوپلیتیک این دو منطقه، بسیار حیاتی است. هرچند تفاوت‌هایی در ماهیت منابع طبیعی این دو کشور وجود دارد، اما منابع طبیعی در هر دو مورد به عنوان یک عامل کلیدی در تحریک و تقویت رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای عمل کرده است. در این تحلیل تطبیقی، نقش منابع طبیعی در اوکراین و تایوان از ابعاد اقتصادی، استراتژیک و سیاسی بررسی می‌شود تا روشن شود که چگونه این مولفه‌ها به تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی کمک کرده‌اند.

اوکراین از نظر منابع طبیعی، به‌ویژه در حوزه انرژی، از اهمیت بالایی برخوردار است. این کشور دارای ذخایر غنی گاز طبیعی، زغال سنگ و منابع معدنی است که آن را به یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان انرژی در اروپا تبدیل کرده است (Kovalenko, 2021). اوکراین همچنین به عنوان یک کریدور ترانزیتی برای انتقال گاز روسیه به اروپا نقش محوری ایفا می‌کند. این وضعیت باعث شده است که منابع طبیعی اوکراین به یک عامل استراتژیک در رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شود (Kropatcheva, 2011). روسیه به دلیل وابستگی اقتصادی اروپا به گاز طبیعی، از این منابع به عنوان اهرمی برای نفوذ و کنترل بر سیاست‌های انرژی اروپا استفاده می‌کند. در این راستا، کنترل بر اوکراین و زیرساخت‌های انرژی آن، به‌ویژه خطوط لوله انتقال گاز، به روسیه این امکان را می‌دهد که نفوذ خود را در بازارهای انرژی اروپا تقویت کند و از اوکراین به عنوان یک ابزار فشار سیاسی استفاده نماید. این نقش کلیدی اوکراین در زنجیره تأمین انرژی اروپا، یکی از عوامل اصلی تشدید بحران ژئوپلیتیکی میان روسیه و غرب بوده است (Yakoviuk & Tselikh, 2023). از سوی دیگر، منابع طبیعی اوکراین تنها به انرژی محدود نمی‌شود. این کشور دارای زمین‌های کشاورزی بسیار حاصل‌خیزی است که آن را به یکی از بزرگترین تولیدکنندگان غلات در جهان تبدیل کرده است. اوکراین به عنوان «سبد نان اروپا» شناخته می‌شود و نقش حیاتی در تأمین امنیت غذایی اروپا و بخش‌های دیگر جهان ایفا می‌کند. دسترسی به این منابع کشاورزی و توانایی کنترل آن‌ها، به بازیگران منطقه‌ای و جهانی امکان می‌دهد که قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی خود را گسترش دهند (Mukhtar, 2023). این منابع استراتژیک نیز باعث شده‌اند که اوکراین در مرکز منازعات ژئوپلیتیکی قرار گیرد و بحران‌های موجود در این کشور به‌طور مستقیم به امنیت غذایی جهان مرتبط شود. کنترل بر این منابع نه تنها از منظر اقتصادی مهم است، بلکه از لحاظ ژئوپلیتیکی نیز به عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری و تشدید رقابت‌های بین‌المللی عمل می‌کند (Jagtap et al., 2023).

در مقابل، تایوان از نظر منابع طبیعی وضعیت متفاوتی دارد. این جزیره از ذخایر طبیعی غنی برخوردار نیست و به عنوان یک واردکننده انرژی و مواد خام به‌شمار می‌رود. با این حال، نقش تایوان در زنجیره تأمین جهانی فناوری‌های پیشرفته، به‌ویژه در تولید نیمه‌هادی‌ها و تراشه‌های الکترونیکی، باعث شده است که این کشور به‌طور غیرمستقیم به عنوان یک منبع استراتژیک در منازعات ژئوپلیتیکی مطرح شود (Chiu, 2012). تراشه‌های الکترونیکی که توسط شرکت‌های تایوانی تولید می‌شوند، بخش عمده‌ای از نیازهای جهانی در حوزه فناوری را تأمین می‌کنند و نقش حیاتی در صنایع مختلف از جمله نظامی، ارتباطات، و فناوری‌های اطلاعاتی ایفا می‌کنند. این وابستگی جهانی به صنعت

نیمه‌های تایوان، به‌طور مستقیم به امنیت اقتصادی و صنعتی کشورهای مختلف، به‌ویژه ایالات متحده و چین، مرتبط است (Musa & Mutlaq, 2023). چین به‌دنبال دستیابی به تسلط بر صنعت نیمه‌های و کاهش وابستگی خود به واردات این محصولات است. در این راستا، کنترل بر تایوان به چین این امکان را می‌دهد که به صنعت پیشرو جهانی در حوزه فناوری‌های پیشرفته دسترسی پیدا کند و این صنعت را به‌عنوان یک ابزار استراتژیک در رقابت‌های ژئوپلیتیکی با ایالات متحده به کار گیرد (Grimes & Du, 2020). از سوی دیگر، ایالات متحده نیز به‌دنبال حفظ استقلال تایوان در تولید نیمه‌های و جلوگیری از تسلط چین بر این صنعت حیاتی است. این رقابت ژئوپلیتیکی میان چین و ایالات متحده باعث شده است که بحران تایوان نه تنها از نظر نظامی و سیاسی، بلکه از نظر اقتصادی و فناوری نیز به یک مسئله حیاتی در امنیت جهانی تبدیل شود (Danilin & Selyanin, 2023).

از منظر تطبیقی، می‌توان مشاهده کرد که هرچند اوکراین و تایوان از نظر نوع منابع طبیعی با یکدیگر تفاوت دارند، اما هر دو کشور به‌طور مستقیم به‌عنوان عوامل کلیدی در منازعات ژئوپلیتیکی مرتبط با منابع و اقتصاد جهانی عمل کرده‌اند. در اوکراین، منابع انرژی و کشاورزی به‌عنوان ابزارهای استراتژیک در رقابت‌های ژئوپلیتیکی استفاده شده‌اند و این کشور به‌دلیل نقش خود در زنجیره تأمین انرژی و امنیت غذایی اروپا، به یک منطقه حساس در منازعات میان روسیه و غرب تبدیل شده است. در تایوان، هرچند منابع طبیعی غنی وجود ندارد، اما نقش این کشور در زنجیره تأمین جهانی فناوری‌های پیشرفته، به‌ویژه در صنعت نیمه‌های، آن را به یک هدف کلیدی در رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان چین و ایالات متحده تبدیل کرده است. نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که منابع طبیعی تنها به‌معنای ذخایر فیزیکی انرژی یا مواد معدنی نیستند، بلکه هر منبعی که برای اقتصاد جهانی و امنیت ملی حیاتی باشد، می‌تواند به‌عنوان یک منبع استراتژیک عمل کند. در مورد اوکراین، این منابع شامل انرژی و زمین‌های کشاورزی است که به‌طور مستقیم به امنیت اروپا و بازارهای جهانی انرژی و غذا مرتبط هستند. در تایوان، منابع استراتژیک به‌صورت فناوری و صنعت نیمه‌های ظاهر شده‌اند که برای اقتصاد دیجیتال و صنایع نظامی و صنعتی جهان حیاتی هستند.

از نظر تأثیرات ژئوپلیتیکی، منابع طبیعی در هر دو کشور به‌عنوان ابزارهایی برای تقویت نفوذ و کنترل در سطح بین‌المللی به کار گرفته شده‌اند. روسیه با تسلط بر زیرساخت‌های انرژی اوکراین و نقش این کشور در ترانزیت گاز، از این منابع به‌عنوان اهرمی برای نفوذ بر سیاست‌های اروپا و اعمال فشار بر غرب استفاده کرده است. به‌طور مشابه، چین نیز به‌دنبال کنترل بر تایوان و دسترسی به صنعت نیمه‌های است تا از این منابع به‌عنوان ابزاری برای تقویت قدرت اقتصادی و نظامی خود در رقابت با ایالات متحده استفاده کند. این دو رویکرد نشان‌دهنده آن است که منابع طبیعی، هرچند در اشکال مختلف، همواره به‌عنوان عوامل کلیدی در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی عمل می‌کنند. نقش منابع طبیعی در این بحران‌ها همچنین به چگونگی استفاده قدرت‌های بزرگ از این منابع برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی خود بستگی دارد. در اوکراین، روسیه از منابع انرژی این کشور به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار اقتصادی و سیاسی استفاده می‌کند و تلاش دارد که از کنترل بر این منابع برای حفظ نفوذ خود در اروپا بهره‌برداری کند. در تایوان، چین به‌دنبال استفاده از صنعت نیمه‌های برای تقویت قدرت تکنولوژیکی خود و کاهش وابستگی به واردات محصولات حیاتی است. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت اقتصادی و استراتژیک منابع طبیعی در شکل‌دهی به منازعات ژئوپلیتیکی است. یکی از تفاوت‌های کلیدی در نقش منابع طبیعی در بحران‌های اوکراین و تایوان، نحوه تأثیرگذاری این منابع بر امنیت ملی و بین‌المللی است. در اوکراین، منابع طبیعی به‌طور مستقیم به امنیت انرژی اروپا و همچنین به اقتصاد جهانی مرتبط هستند. هرگونه ناپایداری در اوکراین می‌تواند به بحران انرژی در اروپا و حتی جهان منجر شود. در تایوان، منابع طبیعی به‌صورت فناوری ظاهر شده‌اند و تأثیر مستقیم بر امنیت اقتصادی و فناوری جهانی دارند. تسلط چین بر صنعت نیمه‌های می‌تواند به یک تهدید جدی برای امنیت اقتصادی ایالات متحده و متحدانش تبدیل شود.

از منظر تطبیقی، منابع طبیعی در اوکراین و تایوان به‌عنوان مولفه‌هایی حیاتی در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی عمل کرده‌اند. در هر دو مورد، این منابع به‌عنوان اهرم‌هایی برای قدرت‌های بزرگ جهانی جهت تقویت نفوذ و اعمال فشار استفاده شده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده آن است که منابع طبیعی نه تنها به‌عنوان دارایی‌های اقتصادی، بلکه به‌عنوان ابزارهای استراتژیک در رقابت‌های ژئوپلیتیکی عمل می‌کنند و بحران‌ها را تشدید می‌کنند. در نهایت، منابع طبیعی در هر دو کشور به‌عنوان عوامل اصلی در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی عمل کرده‌اند. این منابع، چه به‌صورت فیزیکی مانند انرژی و کشاورزی در اوکراین و چه به‌صورت فناوری پیشرفته در تایوان، به‌عنوان ابزارهایی برای کنترل و نفوذ در سطح بین‌المللی به کار گرفته شده‌اند.

- بررسی تطبیقی نقش ابعاد و پیامدهای انسانی (حقوق بشر) در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان

ابعاد انسانی و مسائل مرتبط با حقوق بشر در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان نقشی محوری ایفا کرده‌اند. این مولفه‌ها شامل طیف وسیعی از موضوعات از جمله حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرند و در عین حال به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به تعمیق بحران‌ها منجر می‌شوند. بررسی تطبیقی نقش ابعاد انسانی و مسائل حقوق بشر در این دو بحران نشان می‌دهد که چگونه تخطی از حقوق انسانی و استفاده از آن به‌عنوان ابزارهای سیاسی، به عامل کلیدی در پیچیده‌تر شدن و طولانی‌شدن بحران‌ها تبدیل شده است.

در اوکراین، مسئله حقوق بشر از همان آغاز بحران در سال ۲۰۱۴ تا به امروز به یکی از موضوعات کلیدی تبدیل شده است. حملات نظامی، خشونت‌های جدایی‌طلبان و نقض حقوق انسانی در مناطق شرقی اوکراین، به‌ویژه در دونباس و کریمه، موجب ایجاد موجی از نگرانی‌های بین‌المللی درباره وضعیت حقوق بشر در این کشور شده است (Czepek, 2023). یکی از مهم‌ترین جنبه‌های بحران اوکراین، مسئله حقوق مدنی و سیاسی اقلیت‌های روس‌زبان است. روس‌زبانان در شرق اوکراین همواره به حاشیه‌رانده‌شدن و نادیده‌گرفته‌شدن حقوقشان اعتراض داشته‌اند و این مسئله به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی جدایی‌طلبی و درگیری‌های داخلی عمل کرده است (Mikhailov, 2021). در این میان، روسیه از این وضعیت به‌عنوان بهانه‌ای برای مداخله در اوکراین استفاده کرده و ادعا کرده است که برای حمایت از حقوق روس‌زبانان و اقلیت‌های قومی در برابر دولت مرکزی کیف مداخله می‌کند. تشدید بحران‌های حقوق بشری در اوکراین به‌ویژه در مناطقی که تحت کنترل نیروهای جدایی‌طلب یا روسیه هستند، به معضلات پیچیده‌ای منجر شده است (Allison, 2014). گزارش‌های گسترده از نقض حقوق بشر، از جمله شکنجه، بازداشت‌های غیرقانونی، و اعدام‌های غیرقانونی، وضعیت انسانی این مناطق را بحرانی کرده است. سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی بارها هشدار داده‌اند که وضعیت حقوق بشری در اوکراین به‌طور جدی تحت تأثیر درگیری‌های نظامی و مداخلات خارجی قرار گرفته است. این وضعیت نه تنها زندگی مردم محلی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است، بلکه موجب تشدید تنش‌های بین‌المللی و گسترش بحران شده است (Fedorenko et al, 2022). یکی دیگر از ابعاد مهم حقوق بشری در اوکراین، مسئله جابه‌جایی‌های جمعیتی و پناهندگان است. درگیری‌های مسلحانه و نقض حقوق بشر در مناطق شرقی اوکراین موجب آوارگی میلیون‌ها نفر از خانه‌هایشان شده است. این جابه‌جایی‌های جمعیتی، فشارهای شدیدی بر سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی اوکراین وارد کرده و موجب تشدید بحران انسانی در این کشور شده است (Leasure, 2023). مهاجرت‌های گسترده و ناتوانی دولت در ارائه خدمات کافی به آوارگان داخلی، موجب نارضایتی‌های گسترده‌ای در سطح ملی و بین‌المللی شده است. این بحران انسانی نه تنها وضعیت اوکراین را بی‌ثبات کرده، بلکه به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در تعمیق بحران ژئوپلیتیکی عمل کرده است (Koroutchev, 2023).

در تایوان، مسئله حقوق بشر نیز به‌طور غیرمستقیم در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی تأثیر داشته است. هرچند وضعیت حقوق بشر در تایوان به‌طور کلی بهبود یافته و تایوان به‌عنوان یکی از کشورهای دموکراتیک شرق آسیا شناخته می‌شود، اما مسئله حقوق بشر در این منطقه بیشتر به‌صورت یک ابزار سیاسی در منازعات میان چین و تایوان مطرح شده است (Chen, 2015). چین همواره مدعی بوده است که مسئله تایوان یک مسئله داخلی است و هرگونه مداخله خارجی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده و کشورهای غربی، در این زمینه را نقض حاکمیت خود می‌داند (Qiang & Wang, 2023). از سوی دیگر، تایوان و حامیان بین‌المللی آن، مسئله حقوق بشر و دموکراسی را به‌عنوان یکی از دلایل اصلی برای حمایت از استقلال تایوان مطرح می‌کنند. یکی از موضوعات مهم حقوق بشری در تایوان، حق تعیین سرنوشت مردم این جزیره است. تایوانی‌ها، که به‌طور عمده از قومیت هان هستند، هویت ملی و فرهنگی مستقلی از چین برای خود تعریف کرده‌اند و از طریق فرآیندهای دموکراتیک به دنبال حفظ استقلال خود هستند (Cabestan, 2017). حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در منشور سازمان ملل متحد ذکر شده است و تایوان این حق را به‌عنوان مبنای قانونی برای دفاع از استقلال خود مطرح می‌کند. با این حال، چین این استدلال را نمی‌پذیرد و هرگونه تلاش برای استقلال تایوان را به‌عنوان نقض حاکمیت خود تلقی می‌کند. این اختلافات حقوقی و سیاسی بر سر مسئله حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت، یکی از عوامل اصلی تشدید تنش‌ها میان چین و تایوان است (Ning, 2020).

ابعاد انسانی بحران تایوان، به‌ویژه در حوزه حقوق مدنی و سیاسی، به‌طور گسترده‌ای در سطح بین‌المللی مطرح شده است. ایالات متحده و کشورهای غربی بارها از حقوق بشر و دموکراسی در تایوان حمایت کرده‌اند و این حمایت‌ها به‌عنوان یکی از دلایل اصلی برای تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه آسیا-پاسفیک عمل کرده است. ایالات متحده به‌طور علنی حمایت خود را از دموکراسی تایوان اعلام کرده و هرگونه تلاش چین برای تصرف تایوان را تهدیدی برای حقوق بشر و دموکراسی جهانی می‌داند. این رویکرد باعث شده است که مسئله حقوق بشر به‌طور غیرمستقیم در تشدید بحران تایوان نقش داشته باشد و به یکی از نقاط تقابل میان چین و غرب تبدیل شود. در بررسی

تطبیقی بحران‌های اوکراین و تایوان از منظر حقوق بشر، یکی از نکات مهم نقش قدرت‌های بین‌المللی در استفاده از این مسئله به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی است. در اوکراین، روسیه و غرب هر دو از مسئله حقوق بشر برای توجیه مداخلات خود استفاده کرده‌اند. روسیه مدعی است که مداخله نظامی‌اش برای حمایت از حقوق روس‌زبانان در شرق اوکراین صورت گرفته است، در حالی که غرب با انتقاد از نقض حقوق بشر توسط نیروهای روسی و جدایی طلب، به‌دنبال توجیه تحریم‌ها و حمایت‌های نظامی از دولت اوکراین است. در تایوان، مسئله حقوق بشر نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی در سیاست‌های خارجی ایالات متحده و چین مطرح شده است. ایالات متحده از حقوق بشر و دموکراسی در تایوان برای تقویت حمایت‌های خود از این کشور استفاده می‌کند، در حالی که چین هرگونه مداخله غرب در این موضوع را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی خود تلقی می‌کند.

نکته مهم دیگر در این زمینه، نقش رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر در تشدید بحران‌های اوکراین و تایوان است. در اوکراین، رسانه‌های غربی به‌طور گسترده از نقض حقوق بشر توسط روسیه و نیروهای جدایی طلب گزارش می‌دهند و این مسئله به یکی از دلایل اصلی برای اعمال تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دیپلماتیک علیه روسیه تبدیل شده است. در تایوان، رسانه‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز بر حمایت از حقوق بشر و دموکراسی در این کشور تأکید دارند و این موضوع به یکی از ابزارهای فشار بر چین تبدیل شده است. این حمایت‌های بین‌المللی از حقوق بشر به‌طور غیرمستقیم در تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ نقش داشته است. از منظر تطبیقی، می‌توان گفت که مسئله حقوق بشر در هر دو بحران به‌عنوان یک عامل کلیدی در تحریک و تشدید تنش‌ها عمل کرده است. در اوکراین، نقض گسترده حقوق بشر توسط نیروهای روسی و جدایی طلب و همچنین عدم توانایی دولت اوکراین در حفاظت از حقوق مدنی و سیاسی مردم مناطق شرقی، موجب تشدید بحران شده است. در تایوان، حمایت‌های بین‌المللی از حقوق بشر و دموکراسی به یکی از عوامل کلیدی در تعمیق تنش‌ها میان چین و غرب تبدیل شده است. به‌طور کلی، ابعاد انسانی و حقوق بشری در تشدید بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان نقشی تعیین‌کننده داشته است. این مسائل نه تنها زندگی روزمره مردم محلی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده‌اند، بلکه به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای استفاده شده‌اند. بحران‌های اوکراین و تایوان نشان می‌دهند که چگونه مسئله حقوق بشر می‌تواند به یک عامل کلیدی در تقابل‌های بین‌المللی تبدیل شود و به‌طور مستقیم در شکل‌گیری و تداوم بحران‌های ژئوپلیتیکی نقش ایفا کند.

۵. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی و تطبیقی به بررسی بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان پرداخته و نقش مولفه‌های مختلف جغرافیای قدرت، از جمله منابع طبیعی، ترکیب قومی و مذهبی، موقعیت استراتژیک، و ابعاد انسانی (حقوق بشر) را در شکل‌گیری و تشدید این بحران‌ها تحلیل می‌کند. با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد، پژوهش به‌طور جامع نشان می‌دهد که هر دو بحران نه‌تنها تحت تأثیر عوامل داخلی، بلکه به‌شدت تحت تأثیر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارند که رقابت بر سر منابع، موقعیت استراتژیک، و هویت‌های قومی و مذهبی را به منازعه‌ای مداوم و پیچیده تبدیل کرده‌اند. در اوکراین، ترکیب قومی و زبانی کشور، به‌ویژه در شرق، یکی از محرک‌های اصلی بحران است. جمعیت روس‌تبار در شرق اوکراین که خود را به روسیه نزدیک‌تر از اوکراین می‌دانند، موجب جدایی‌طلبی و حمایت از مداخله روسیه شده‌اند. این ترکیب‌های قومی و زبانی به قطبی‌شدن جامعه اوکراین و مداخله مستقیم روسیه در این کشور منجر شده است. در تایوان، اگرچه ترکیب قومی چندان متنوع نیست، مسئله هویتی میان تایوانی‌ها و چینی‌ها به یکی از عوامل مهم در تشدید تنش‌ها میان چین و تایوان تبدیل شده است. تایوانی‌ها، با وجود پیوندهای فرهنگی با سرزمین اصلی چین، خود را به‌عنوان ملتی مستقل می‌دانند که این تمایز هویتی به‌عنوان یک عامل کلیدی در تقابل میان چین و تایوان عمل می‌کند. نقش موقعیت استراتژیک نیز در تشدید این بحران‌ها برجسته است. اوکراین در تلافی میان روسیه و کشورهای عضو ناتو قرار دارد و به‌عنوان یک پل جغرافیایی، در مرکز رقابت‌های ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. موقعیت استراتژیک اوکراین به روسیه امکان دسترسی به اروپا را می‌دهد و برای ناتو، حفظ استقلال این کشور یک مانع در برابر گسترش نفوذ روسیه است. در تایوان، این کشور به دلیل قرارگیری در دریای چین شرقی و نزدیکی به آبراه‌های بین‌المللی، به نقطه‌ای استراتژیک برای دسترسی به منابع طبیعی و کنترل مسیرهای تجاری تبدیل شده است. این اهمیت استراتژیک تایوان، آن را به یکی از حساس‌ترین نقاط در منازعات ژئوپلیتیکی میان چین و ایالات متحده تبدیل کرده است.

منابع طبیعی نیز در تشدید این بحران‌ها نقش مهمی ایفا کرده‌اند. اوکراین به دلیل داشتن منابع غنی گاز طبیعی و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی، به یکی از مراکز رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان روسیه و غرب تبدیل شده است. روسیه از این منابع به‌عنوان ابزاری برای نفوذ و اعمال فشار بر اروپا استفاده می‌کند. در مقابل، تایوان هرچند از نظر منابع طبیعی غنی نیست، اما نقش حیاتی آن در تولید تراشه‌های الکترونیکی و نیمه‌هادی‌ها، این کشور را به یک منبع استراتژیک در رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان چین و ایالات متحده تبدیل کرده است. صنعت نیمه‌هادی تایوان که بخش عمده‌ای از نیازهای جهانی را تأمین می‌کند، به یک ابزار استراتژیک در رقابت‌های جهانی تبدیل شده است. ابعاد انسانی و

مسائل حقوق بشر نیز در تعمیق بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان تأثیرگذار بوده‌اند. در اوکراین، نقض گسترده حقوق بشر در مناطق شرقی و کنترل نیروهای جدایی طلب و روسیه، به یکی از دلایل اصلی برای اعمال تحریم‌ها و حمایت‌های نظامی از دولت اوکراین تبدیل شده است. در تایوان، حمایت‌های بین‌المللی از حقوق بشر و دموکراسی به‌عنوان یکی از ابزارهای تقابل میان چین و غرب استفاده شده است. این حمایت‌ها به تقویت مواضع تایوان و تشدید تنش‌ها میان چین و ایالات متحده منجر شده است.

تحلیل تطبیقی بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان نشان می‌دهد که عوامل مختلفی از جمله ترکیب‌های قومی و مذهبی، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی، و ابعاد انسانی (حقوق بشر) به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تشدید این بحران‌ها نقش داشته‌اند. این عوامل، هرچند در هر کشور به شکلی متفاوت بروز یافته‌اند، اما همگی به‌عنوان محرک‌های کلیدی برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ عمل کرده‌اند. موقعیت جغرافیایی، ترکیب‌های قومی، و منابع طبیعی در هر دو کشور به ابزاری برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند و بازیگران داخلی و خارجی از این مولفه‌ها برای تقویت نفوذ و اعمال فشار بر رقبای خود بهره‌برداری می‌کنند. به‌طور کلی، بحران‌های ژئوپلیتیکی اوکراین و تایوان به‌عنوان نمونه‌های بارز از منازعات قرن بیست و یکم نشان می‌دهند که جغرافیا، منابع طبیعی، و هویت‌های قومی و مذهبی همچنان در شکل‌گیری و تداوم بحران‌های بین‌المللی نقش دارند. تحلیل این بحران‌ها از منظر تطبیقی، به فهم بهتر پویایی‌های ژئوپلیتیکی و نحوه تأثیرگذاری عوامل مختلف در تشدید منازعات کمک می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این عوامل می‌توانند به ابزارهای استراتژیک در رقابت‌های بین‌المللی تبدیل شوند.

۶. منابع

۱. بهرامی جاف، س.، جان پرور، م.، سلطانی، ن.، و محمدپور، ع. (۱۳۹۲). تبیین نظری مولفه‌های مؤثر در روابط ژئوپلیتیک و ارائه الگوی پیشنهادی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۵ (۳)، ۲۲۵-۲۴۱.
۲. جان پرور، م. (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک برای همه، نشر انتخاب، چاپ اول.
۳. بهرامی جاف، ساجد، جان پرور، محسن. (۱۴۰۳). کتاب نگارشی نو به مناسبات ژئوپلیتیک ایران و آمریکا (گذشته، حال و آینده)، انتشارات صنایع نرم، تهران.
۴. ولیقلی زاده، ع.، و کریمی، م. (۱۳۹۵). تبیین جغرافیایی عوامل مورد مناقشه در بحران ژئوپلیتیک قره باغ. مجله مطالعات اوراسیا، ۷، ۱۷۲ - ۱۸۰.
5. Allison, R. (2014). Russian 'deniable' intervention in Ukraine: how and why Russia broke the rules. *International Affairs*, 90, 1255-1297. <https://doi.org/10.1111/1468-2346.12170>.
6. Amable, B., & Palombarini, S. (2023). Multidimensional social conflict and institutional change. *New Political Economy*, 28, 942 - 957. <https://doi.org/10.1080/13563467.2023.2215701>.
7. Bazzi, S., & Gudgeon, M. (2021). The Political Boundaries of Ethnic Divisions. *American Economic Journal: Applied Economics*. <https://doi.org/10.1257/APP.20190309>.
8. Cabestan, J. (2017). Changing Identities in Taiwan under Ma Ying-jeou. , 42-60. <https://doi.org/10.1525/luminos.38.c>.
9. Chen, Y. (2015). Human Rights in China-Taiwan Relations: How Taiwan Can Engage China. . <https://doi.org/10.2139/SSRN.2502674>.
10. Cheng, M. (2022). The Ukraine Crisis: Causes, Conundrum and Consequences. *Journal of Social and Political Sciences*. <https://doi.org/10.31014/aior.1991.05.02.350>.
11. Chiu, Y. (2012). Taiwan's tech hubs take advantage of disasters. . <https://doi.org/10.1109/MSPEC.2012.6172791>.
12. Chruzik, K. (2019). Risk Management in Crisis. *Journal of KONBiN*, 49, 245 - 264. <https://doi.org/10.2478/jok-2019-0085>.
13. Coyne, C. (2010). Constitutions and Crisis. *Law & Economics eJournal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1647846>.
14. Crane, N., & Grove, K. (2018). An active role for political geography in our current conjuncture. *Geography Compass*. <https://doi.org/10.1111/GEC3.12410>.
15. Czepek, J. (2023). ECtHR Case-law Concerning Russian Aggression on Ukraine and the Events Taking Place after 2014. *International Community Law Review*. <https://doi.org/10.1163/18719732-bja10115>.
16. Danilin, I., & Selyanin, Y. (2023). Race for Nanometers: American Policy Toward Taiwan and Republic of Korea. *World Economy and International Relations*. <https://doi.org/10.20542/0131-2227-2023-67-11-80-88>.
17. Erfan, A. (2021). The Geopolitical Influential Components in the Afghan Crisis. *Journal of Humanities and Social Sciences Studies*. <https://doi.org/10.32996/jhsss.2021.4.7.5>.

18. Farooq, M. (2023). US' TAIWAN STRATEGY: AN INSTRUMENT TO CONTAIN CHINA. *Mar Papers*. <https://doi.org/10.54690/margallapapers.27.1.154>.
19. Fedorenko, V., Iukhymuk, O., & Adler, A. (2022). VIOLATION OF FUNDAMENTAL HUMAN RIGHTS AS A RESULT OF MILITARY AGGRESSION OF THE RUSSIAN FEDERATION AGAINST UKRAINE IN 2022 AND MECHANISMS OF BRINGING WAR CRIMINALS TO LEGAL RESPONSIBILITY. *Expert: Paradigm of Law and Public Administration*. [https://doi.org/10.32689/2617-9660-2022-2\(20\)-32-59](https://doi.org/10.32689/2617-9660-2022-2(20)-32-59).
20. Götz, E., & Staun, J. (2022). Why Russia attacked Ukraine: Strategic culture and radicalized narratives. *Contemporary Security Policy*, 43, 482 - 497. <https://doi.org/10.1080/13523260.2022.2082633>.
21. Grebogi, C., Ott, E., & Yorke, J. (1983). Crises, sudden changes in chaotic attractors, and transient chaos. *Physica D: Nonlinear Phenomena*, 7, 181-200. [https://doi.org/10.1016/0167-2789\(83\)90126-4](https://doi.org/10.1016/0167-2789(83)90126-4).
22. Grimes, S., & Du, D. (2020). China's emerging role in the global semiconductor value chain. *Telecommunications Policy*, 101959. <https://doi.org/10.1016/j.telpol.2020.101959>.
23. Grygiel, J. (2006). Great powers and geopolitical change. . <https://doi.org/10.1353/book.3284>.
24. Gulick, E. (1982). Europe's Classical Balance of Power: A Case History of the Theory and Practice of One of the Great Concepts of European Statecraft. . <https://doi.org/10.2307/1848519>.
25. Hashmi, S. (2023). Taiwan in the Indo-Pacific Region: Prospects and Challenges. *Asian Perspective*, 47, 229 - 245. <https://doi.org/10.1353/apr.2023.0010>.
26. Huang, M. (2023). The Dilemmas of Becoming Chinese in Taiwan. *China Review*, 23, 149 - 164.
27. Huang, S. (2000). Language, identity and conflict: a Taiwanese study. , 143, 139 - 150. <https://doi.org/10.1515/ijsl.2000.143.139>.
28. Jagtap, S., Trollman, H., Trollman, F., Garcia-Garcia, G., Parra-López, C., Duong, L., Martindale, W., Munekata, P., Lorenzo, J., Hdaifeh, A., Hassoun, A., Salonitis, K., & Afy-Shararah, M. (2022). The Russia-Ukraine Conflict: Its Implications for the Global Food Supply Chains. *Foods*, 11. <https://doi.org/10.3390/foods11142098>.
29. Janparvar, M., Jaf, S. B., Salehabadi, R., Chatterjee, U., & Shahbazi, M. (2022). The Geopolitics of Refugees: A Strategic Tool for Explaining the Concept of Migration in Developing Countries. In *Sustainable Urbanism in Developing Countries* (pp. 41-53). CRC Press.
30. Kahn, W., Barton, M., & Fellows, S. (2013). Organizational Crises and the Disturbance of Relational Systems. *Academy of Management Review*, 38, 377-396. <https://doi.org/10.5465/AMR.2011.0363>.
31. Kondratenko, O. (2022). Crisis of the eastern vector of foreign policy of Ukraine. *Political Studies*. <https://doi.org/10.53317/2786-4774-2022-1-7>.
32. Koroutchev, R. (2023). Internal Displacement of the Ukrainians. Migration towards Moldova, Romania and Bulgaria. *Espacio Tiempo y Forma. Serie VI, Geografía*. <https://doi.org/10.5944/etfvi.16.2023.37182>.
33. Kropatcheva, E. (2011). Playing Both Ends Against the Middle: Russia's Geopolitical Energy Games with the EU and Ukraine. *Geopolitics*, 16, 553 - 573. <https://doi.org/10.1080/14650045.2011.520863>.
34. Leasure, D., Kashyap, R., Rampazzo, F., Dooley, C., Elbers, B., Bondarenko, M., Verhagen, M., Frey, A., Yan, J., Akimova, E., Fatehkia, M., Trigwell, R., Tatem, A., Weber, I., & Mills, M. (2023). Nowcasting Daily Population Displacement in Ukraine through Social Media Advertising Data. *Population and Development Review*. <https://doi.org/10.1111/padr.12558>.
35. Markowitz, J., & Fariss, C. (2017). Power, Proximity, and Democracy: Geopolitical Competition in the International System. *Journal of Peace Research*, 55, 78-93. <https://doi.org/10.2139/SSRN.2204867>.
36. Mikhailov, V. (2021). The third Generation of Human Rights and the Issue of Legal Protection of the Russian-Speaking Population of Ukraine. *Proceedings of the Southwest State University. Series: History and Law*. <https://doi.org/10.21869/2223-1501-2021-11-5-10-18>.
37. Moslinejad, A. (2013); Ukraine crisis and the intensification of regional competition, scientific research quarterly of world politics, second period, fourth issue.
38. Mukhtar, Z. (2023). The Impact of the Ukraine-Russia War on Food Security and Countries Exposed to Food Supply Shock. *European Journal of Business and Management Research*. <https://doi.org/10.24018/ejbmr.2023.8.2.1861>.
39. Musa, M., & Mutlaq, D. (2023). The Impact of Taiwan's Status on US-Chinese Relations Under President Joe Biden. *The International and Political Journal*. <https://doi.org/10.31272/ipj.i55.185>.
40. Ning, Y. (2020). Separatism in Taiwan: The Taiwan Independence Movement and possible development of future Cross-Strait Relations. , 317-320. <https://doi.org/10.2991/icesed-19.2020.21>.
41. Obushnyj, M. (2021). PECULIARITIES OF CONFLICT NATURE OF SEPARATISM IN MODERN UKRAINE. *Almanac of Ukrainian Studies*. <https://doi.org/10.17721/2520-2626/2021.29.16>.
42. Orenstein, M. (2023). The European Union's transformation after Russia's attack on Ukraine. *Journal of European Integration*, 45, 333 - 342. <https://doi.org/10.1080/07036337.2023.2183393>.

43. Qiang, X., & Wang, J. (2023). Parallel Perceptions: Divergent Perspectives of the United States and China on the Taiwan Issue and Risky Implications. *China Review*, 23, 41 - 76.
44. Reynal-Querol, M. (2002). Ethnicity, Political Systems, and Civil Wars. *Journal of Conflict Resolution*, 46, 29 - 54. <https://doi.org/10.1177/0022002702046001003>.
45. Rumyantsev, O. (2022). National Minorities and Ethnic Groups in Ukraine as Part of the Linguistic Identity Question. 2 | 1 | 2022. <https://doi.org/10.30687/bes/2785-3187/2022/01/002>.
46. Sobolewska, M., Fisher, S., Heath, A., & Sanders, D. (2015). Understanding the effects of religious attendance on political participation among ethnic minorities of different religions. *European Journal of Political Research*, 54, 271-287. <https://doi.org/10.1111/1475-6765.12081>.
47. Stekić, N. (2023). China's geopolitical design for East Asia: Taiwanese piece of the puzzle. *Politika nacionalne bezbednosti*. <https://doi.org/10.5937/pnb24-43441>.
48. Vinson, L. (2018). *The Logic of Ethnic and Religious Conflict in Africa*. New York: Cambridge University Press,. <https://doi.org/10.1017/S1755048318000615>.
49. Yakoviyk, I., & Tselikh, M. (2023). Energy Security of the European Union in the Context of Russian Aggression against Ukraine. *Problems of legality*. <https://doi.org/10.21564/2414-990x.160.274518>.
50. Zhong, Y. (2016). Explaining National Identity Shift in Taiwan. *Journal of Contemporary China*, 25, 336 - 352. <https://doi.org/10.1080/10670564.2015.1104866>.
51. Коваленко, А. (2021). Reliable instrumental metering of natural gas is the key to Ukraine's energy independence. *Ukrainian Metrological Journal*. <https://doi.org/10.24027/2306-7039.2.2021.236084>.

